

**روزنامه شرق**

پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ • ۲۰ رجب ۱۴۴۲ • ۴ مارس ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۳۹۵۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۸:۲۰  
اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

فرداشargh@gmail.com

**روزنامه‌رو**



**تجربه دیگران**

**ده‌ها هزار ناپدید**

بی‌بی‌سی، شماری از خانواده ناپدیدشدگان جنگ سوریه هنوز در پی فرزندان خود هستند. دیروز رسانه‌ها از گزارشی خبر دادند که بازرسان سازمان ملل منتشر کرده بودند و در آن مطرح شده بود: «ده‌ها هزار غیرنظامی در جریان ۱۰ سال جنگ داخلی سوریه همچنان ناپدید هستند». شاهدان و قربانیان از «رنج غیر قابل‌تصوری» روایت کرده‌اند؛ مواردی از جمله تجاوز به دختران و پسران نوجوانی شده است. یازداشت‌شدگان گفته‌اند برای ماه‌ها نور روز ندیده‌اند و مجبور به نوشیدن آب ناپاک و غذای کپک‌زده بودند و همراه صد‌ها نفر دیگر در سلول‌های کوچکی محبوس بوده‌اند که فاقد امکانات بهداشتی و پزشکی بود. بسیار از زندانیان سیاسی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی گفته‌اند. بنا بر شهادت این زندانیان، شوک الکتریکی، سوزاندن بدن، کشیدن ناخن و دندان و آویختن و قهانی‌کردن افراد از جمله شکنجه‌ها بوده است.



## بهار به انتظار همدلی به استقبال سالی نو

## با اهدای عیدانه به کودکان بی سرپرست

**نیکوکاران شریف**  
حامی زنان و کودکان بدسرپرست

**۰۲۱-۶۱۶۰۴**

**شماره کارت: ۶۱۰۴ ۳۳۷۹ ۷۸۱۴ ۲۴۳۶ | حساب‌ملت: ۷۷ ۷۷ ۵۰ ۷۷ ۵۰**  
**به‌نام‌موسسه‌خیریه‌نیکوکاران‌شریف**

عضو ویژه مشورتی شورای اجتماعی، اقتصادی سازمان ملل

عضو برنامه‌های سازمان ملل متحد

WE SUPPORT UN GLOBAL COMPACT

ECOSOC

**پاد**

## انسان خستگی ناپذیر

**مسعود جعفری‌جوهرانی**

این روزها شش‌دانگ حواسم پیش استاد علی دهباشی است و دل و دست و زبانم مشغول دعا برای این مرد فرهنگ‌ساز هنرپرور که می‌ستایمیش... انسان خستگی‌ناپذیر اندیشمندی که به تنهایی یک جریان بزرگ پویا، زاینده و تأثیرگذار فرهنگی است... تردید ندارم که اگر رسم و قاعده در این دیار شایسته‌سالاری بود، علی دهباشی مادام‌العمر رئیس فرهنگستان فرهنگ و هنر یا حداقل وزیر فرهنگ می‌شد و با سرانگشت تدبیر گره‌های کور را باز می‌کرد تا به دور از نگاه تحقیرآمیز و سیاست‌زده حزبی، همه استعداد‌های بالقوه کشور امکان مساوی رشد و بروز داشته باشند.

**سلام به فردا**

## مدیریت کرونا در آمریکای پس از ترامپ

فعال نیست و مراسم پرشکوه سخنرانی برپا نمی‌کند. همچنین بایدن علاقه‌ای به زدن حرف‌های تحریک‌آمیز و عجیب و غریب ندارد. دونالد ترامپ در مسئله کرونا سعی داشت خودش را مرد اول میدان مبارزه با این بیماری نشان دهد. برای همین سعی می‌کرد هر روز درباره این بیماری حرف بزند. همین تلاش زیاد برای درمیان‌بودن در مسئله‌ای که نیاز به تخصص و آگاهی دارد، موجب می‌شد تا از او اظهارات عجیب و غریبی هم منتشر شود که محل بحث و جنجال فراوان هم می‌شد. ترامپ توصیه‌هایی می‌کرد و حرف‌هایی می‌زد که باید از زبان کارشناسان بیان می‌شد. ولی همین علاقه به نمایش موجب می‌شد تا او این سخنان را بیان کند. علاقه او به ایجاد هیجان و فضای تبلیغاتی موجب می‌شد تا لایه‌لای حرف‌ها و توصیه‌هایش اظهارات عجیب و غریب، گاف‌ها و اشتباهاتی هم بیان شود. همین‌ها موجب می‌شد تا طرف مقابل سیاسی یا رسانه‌ای در برابر او وارد بگیرد و حرف‌های او را نقد کند و حملات رسانه‌ای علیه او صورت بگیرد. یکی از استراتژی‌های ترامپ این بود که با حمله به رسانه‌های جریان اصلی، مردم و هواداران خودش را قانع کند که یک چهره ضدسیستم است؛ چراکه در آمریکا بخشی از هیئت حاکمه را رسانه‌ها تشکیل می‌دهند و حمله به رسانه‌های جریان اصلی و انتقاد از آنها معنی ضدسیستم‌بودن می‌دهد. بنابراین از همان روز اول سر ناسازگاری با رسانه‌ها را گذاشت و از اصطلاحی مثل فیک‌نیوز و دشمن و مانند اینها درباره گزارش رسانه‌های جریان اصلی استفاده می‌کرد. این مسئله موجب می‌شد که هر روز خودش و تیمش با رسانه‌ها درگیری داشته باشند. این مسئله موجب می‌شد تا رسانه‌ها هم روی گاف‌ها و اشتباهات ترامپ تمرکز کنند و کارزاری را علیه او شکل بدهند. این کارها را باید انجام نمی‌دهد و طبیعی است که رسانه‌ها با بایدن چنان سر جنگ نداشته باشند. ضمن اینکه اکثر قریب به اتفاق رسانه‌های آمریکا رسانه‌های لیبرال هستند. الان که دولت دموکرات لیبرال‌مسلك به قدرت رسیده دلیلی ندارد که ما انتشار داشته باشیم همان‌قدر که دولت محافظه‌کار ترامپ با آن شخصیت به‌خصوص ترامپ به او حمله می‌شد. در این دولت هم حمله‌هایی صورت بگیرد. این در مورد کرونا و در موارد دیگر هم صدق می‌کند.

**پرنده آبی**

## جنجال بر سر «سمیه نو»

در میان نوجوانان ایرانی است. این محبوبیت زمانی به حدی رسید که ویدئوهای مختلفی از اجرای بچه‌ها در مدارس با اهنگ «جنتلمن» او در شبکه‌های اجتماعی وایرال می‌شد؛ مسئله‌ای که حتی واکنش وزیر وقت آموزش‌وپرورش را هم به همراه داشت و موجب ابراز نگرانی نمایندگان مجلس هم شده بود؛ اما به‌رحال نتیجه همه آن بحث‌ها هرچه بود بر همگان ثابت شد که چهره‌هایی مثل ساسی‌مانکن در میان نوجوانان طرفدارهای زیادی دارند. برای همین وقتی ویدئوی او با یکی از ستاره‌های فیلم‌های پورنوگرافی در شبکه‌های اجتماعی وایرال شده، بسیاری از پدرها و مادراها فهمیده‌اند که فرزندانشان در برابر چنین محتوایی قرار گرفته‌اند و ممکن است درباره این بازیگر و پیشینه‌اش جست‌وجو کنند. واکنش‌های رسمی در ایران تا اینجا به محدودیت و سانسور ختم شد. سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر اعلام کرد «پیرو انتشار تیزر موزیک‌ویدئو هنجارشکنانه یکی از خوانندگان غیرمجاز در برخی رسانه‌ها و ابراز نگرانی خانواده‌ها، ساترا با استناد به مقررات محتوایی و نقض صریح دستورالعمل حفاظت از حقوق کودکان، روز گذشته (۱۲ اسفندماه)، طی ابلاغیه‌ای، انتشار آن را به هر نحو در رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ممنوع اعلام کرد» محمد سرشار، مدیر شبکه پویا هم در پست اینستاگرام خود نوشت: در همه دنیا، ارائه ارائه نرزه‌نگاری (پورنوگرافی) به کودکان ممنوع است و اگر کسی کودکان را به تماشای پورنوگرافی تشویق کند، با واکنش منفی مردم و دولت مواجه می‌شود. ما برای آینده ایران و فرزندانمان باید جلوی این خطای بزرگ بایستیم.

**سلیقه - ۸**

## سرنخ در دانشگاه‌های هنر

**تورج صابری‌وند**

در بازگشت به اندیشه‌های اندیشمندانی از شی‌لر تا بودریو که در نوشته‌های پیشین این ستون آمده، سلیقه جمعی ما، تابع زندگی روزمره ماست و زندگی روزمره ما پر از اشیا و اشکال است؛ اشیا و اشکالی که سلیقه ما را می‌سازند؛ از تابلوها و تبلیغات شهری تا مبلمان شهری و خانگی، لباس‌های خردمان و دیگران، معماری ادارات و مراکز خرید و خانه‌ها و بسته‌بندی‌هایی که هر روز با می‌کنیم، در سطل‌های زباله پرتاب می‌کنیم اما اثرش در چشم و ذهن سلیقه ما می‌ماند. پس ضروری است برای فهمیدن کیفیت سلیقه جمعی یک جامعه سراغ دانشگاه‌هایی برویم که مسئول آموزش آدم‌هایی است که تولید این اشیا و اشکال را بر عهده دارند.

این رشته‌ها همان رشته‌های دیزاین\* هستند که به اشتباه در دانشگاه‌های هنر قرار گرفته‌اند؛ اشتباهی که از یک قرن پیش در باهاوس شروع شد و به اشتباه مصطلحی در سراسر جهان تبدیل شد. بعدها بسیاری از دانشگاه‌ها رویکردهای آموزشی آن رشته‌ها را تغییر دادند و بعضی دانشکده‌های دیزاین را از دانشکده‌های هنر جدا کردند. هنوز بسیاری نه‌تنها هیچ تغییری نکرده‌اند و در همان سال‌های باهاوس مانده‌اند، بعضی‌ها هم هنوز به خود باهاوس نیز نرسیده‌اند! بی‌دآوری اینکه نسبت دانشگاه‌های ایرانی در رشته‌های دیزاین با باهاوس چیست، عجالتاً همان رشته‌های معماری، گرافیک، طراحی صنعتی، طراحی لباس و... مورد توجه این نوشته است. برای دآوری سلیقه دانشگاه‌ها می‌توان سراغ ژورنال‌های این رشته‌ها رفت. ژورنال همان judgment در معنای دآوری است. انتخاب ژورنال در پایان‌ترم‌ها در کلاس‌های درس دانشگاه‌های هنر برگزار می‌شود و دانشجویان آثاری را که در طول چند ماه یک ترم به همراهی و راهنمایی استادان‌شان ساخته‌اند، به نمایش می‌گذارند تا خود همان استادان کارهایی را که خودشان راهنمایی کرده‌اند، به دآوری بنشینند. از طنز ماجرا بگذریم. گرچه به نظر می‌رسد که این ژورنال‌ها محل خوبی برای دآوری استادان است، تا دآوری‌شان کنیم که در چند ماه گذشته چطور توانسته‌اند دانشجویان را آموزش دهند و آنها را چطور از حالت قبل به حالت جدید تبدیل کنند. اما این نوشته ژورنال‌ها را نه به دآوری دانشجویان و نه به دآوری استادان که به دآوری سلیقه دانشگاه‌ها به نقد می‌نشیند. ژورنال‌ها برای دانشجویان رشته‌های دیزاین یعنی دقیقه ۹۰، یعنی تأخیر، یعنی شب‌بیداری، چنین وضعیتی، نه بی‌نظمی ژورنال‌ها را که بی‌نظمی چهار ماه گذشته را نشان می‌دهد. عادت‌ی است که در تمام ترم‌ها تکرار می‌شود و عادت‌ی که در دانشگاه‌ترین می‌شود و بعد تبدیل به عادت حرفه‌ای و کاری آنها می‌شود و در تجربه‌ها و پروژه‌های کاری عین به عین به مدت سال‌های طولانی تکرار می‌شود. نتیجه این شده است که همه پذیرفته‌اند معمارها و گرافیست‌ها و طراح‌ها آدم‌های «بی‌نظمی» هستند، عجبا که خودشان هم چنین معلولیتی را به عنوان ویژگی طبیعی خود به رسمیت شناخته‌اند؛ بی‌نظمی‌ای که نه مایهت کار هنر یا دیزاین بلکه حاصل آموزش غلط است. آشکار است که در بی‌نظمی نه هیچ اندیشه جدی‌ای شکل می‌گیرد، نه موخته می‌شود و نه سلیقه‌ای ساخته می‌شود. بی‌نظمی کرونای کشنده همه‌چیز است از جمله سلیقه. در مورد ژورنال‌ها هم چنین است. با وجود اینکه آثاری که ژورنال می‌شوند، هم به دور از سلیقه بازار هستند، هم از سفارش‌دهنده‌های بدسلیقه در امان‌اند و علی‌رغم اینکه راهنمای دانشجویان استادان دانشگاه‌های هنر هستند و نه مدیران دولتی یا شرکت‌های خصوصی بدسلیقه و با اینکه موضوع‌ها و سوزه‌ها را هم خود دانشجویان با استادان‌شان تعیین کرده‌اند، آنچه می‌بینیم کارها و ارائه‌های شلخته، آثاری بی‌جسارت، بی‌سلیقه، سهل‌انگار و ناشایه است. دانشجویان جوان و جسوری که درگیر معادلات بازاری نیستند، در محیط دانشگاه هنر هستند، همراهران‌شان استادان دانشگاه‌های هنرند، فرصتی چهارماهه برای ژورنال دارند و حاصل کارشان چنین بی‌سلیقه است و سال‌ها در دانشگاه‌ها چنین وضعیتی را زندگی می‌کنند، می‌توان حدس زد که بعد از ورود به بازار چه چیزی را و چگونه دیزاین می‌کنند. دانشگاه‌های هنر یا چنان بی‌سلیقه‌اند که نمی‌دانند بی‌سلیقه‌اند، یا چنان سربه‌هوا که به سلیقه‌شان نگاه می‌کنند. اولی فسح سلیقه دانشگاه است و دومی فسح صلاحیت دانشگاه. هر کدام باشد بخش مهمی از تقصیر بی‌سلیقی کشور بر گردن دانشگاه‌های هنر است. دانشجویان هم قربانی‌های معصوم دانشگاه‌ها نیستند، دانشجویان همدست دانشگاه‌ها و همدست بی‌سلیقی جامعه‌اند. اگر دانشگاه‌ها خواب‌زده‌اند، دانشجویها که زنده‌ترند بیدار شوند. اگر استادها خسته‌اند، دانشجویان باید خودشان، خودشان را نجات دهند. دانشجویان زندانی دانشگاه‌ها نیستند، عابران پیاده دانشگاه‌ها هستند. اگر دانشگاه‌راه نجات نیست، راه نجات دیگری را برای خودشان و برای جامعه باید پیدا کنند.

✦ از آنجا که «طراحی» معادل فارسی **Drawing** است و از **Design** معنای دیگری جز **Drawing** مراد است، پس در متن‌های فارسی **Design** را دیزاین می‌نویسیم.

<sup>[1]</sup> دیزاین

<sup>[2]</sup> دیزاین

<sup>[3]</sup> دیزاین

<sup>[4]</sup> دیزاین

<sup>[5]</sup> دیزاین

<sup>[6]</sup> دیزاین

<sup>[7]</sup> دیزاین

<sup>[8]</sup> دیزاین

<sup>[9]</sup> دیزاین

<sup>[10]</sup> دیزاین

<sup>[11]</sup> دیزاین

<sup>[12]</sup> دیزاین

<sup>[13]</sup> دیزاین

<sup>[14]</sup> دیزاین

<sup>[15]</sup> دیزاین

<sup>[16]</sup> دیزاین

<sup>[17]</sup> دیزاین

<sup>[18]</sup> دیزاین

<sup>[19]</sup> دیزاین

<sup>[20]</sup> دیزاین

<sup>[21]</sup> دیزاین

<sup>[22]</sup> دیزاین

<sup>[23]</sup> دیزاین

<sup>[24]</sup> دیزاین

<sup>[25]</sup> دیزاین

<sup>[26]</sup> دیزاین

<sup>[27]</sup> دیزاین

<sup>[28]</sup> دیزاین

<sup>[29]</sup> دیزاین

<sup>[30]</sup> دیزاین

<sup>[31]</sup> دیزاین

<sup>[32]</sup> دیزاین

<sup>[33]</sup> دیزاین

<sup>[34]</sup> دیزاین

<sup>[35]</sup> دیزاین

<sup>[36]</sup> دیزاین

<sup>[37]</sup> دیزاین

<sup>[38]</sup> دیزاین

<sup>[39]</sup> دیزاین

<sup>[40]</sup> دیزاین

<sup>[41]</sup> دیزاین

<sup>[42]</sup> دیزاین

<sup>[43]</sup> دیزاین

<sup>[44]</sup> دیزاین

<sup>[45]</sup> دیزاین

<sup>[46]</sup> دیزاین

<sup>[47]</sup> دیزاین

<sup>[48]</sup> دیزاین

<sup>[49]</sup> دیزاین

<sup>[50]</sup> دیزاین

<sup>[51]</sup> دیزاین

<sup>[52]</sup> دیزاین

<sup>[53]</sup> دیزاین

<sup>[54]</sup> دیزاین

<sup>[55]</sup> دیزاین

<sup>[56]</sup> دیزاین

<sup>[57]</sup> دیزاین

<sup>[58]</sup> دیزاین

<sup>[59]</sup> دیزاین

<sup>[60]</sup> دیزاین

<sup>[61]</sup> دیزاین

<sup>[62]</sup> دیزاین

<sup>[63]</sup> دیزاین

<sup>[64]</sup> دیزاین

<sup>[65]</sup> دیزاین

<sup>[66]</sup> دیزاین

<sup>[67]</sup> دیزاین

<sup>[68]</sup> دیزاین

<sup>[69]</sup> دیزاین

<sup>[70]</sup> دیزاین

<sup>[71]</sup> دیزاین

<sup>[72]</sup> دیزاین

<sup>[73]</sup> دیزاین

<sup>[74]</sup> دیزاین

<sup>[75]</sup> دیزاین

<sup>[76]</sup> دیزاین

<sup>[77]</sup> دیزاین

<sup>[78]</sup> دیزاین

<sup>[79]</sup> دیزاین

<sup>[80]</sup> دیزاین

<sup>[81]</sup> دیزاین

<sup>[82]</sup> دیزاین

<sup>[83]</sup> دیزاین

<sup>[84]</sup> دیزاین

<sup>[85]</sup> دیزاین

<sup>[86]</sup> دیزاین

<sup>[87]</sup> دیزاین

<sup>[88]</sup> دیزاین

<sup>[89]</sup> دیزاین

<sup>[90]</sup> دیزاین

<sup>[91]</sup> دیزاین

<sup>[92]</sup> دیزاین

<sup>[93]</sup> دیزاین

<sup>[94]</sup> دیزاین

<sup>[95]</sup> دیزاین